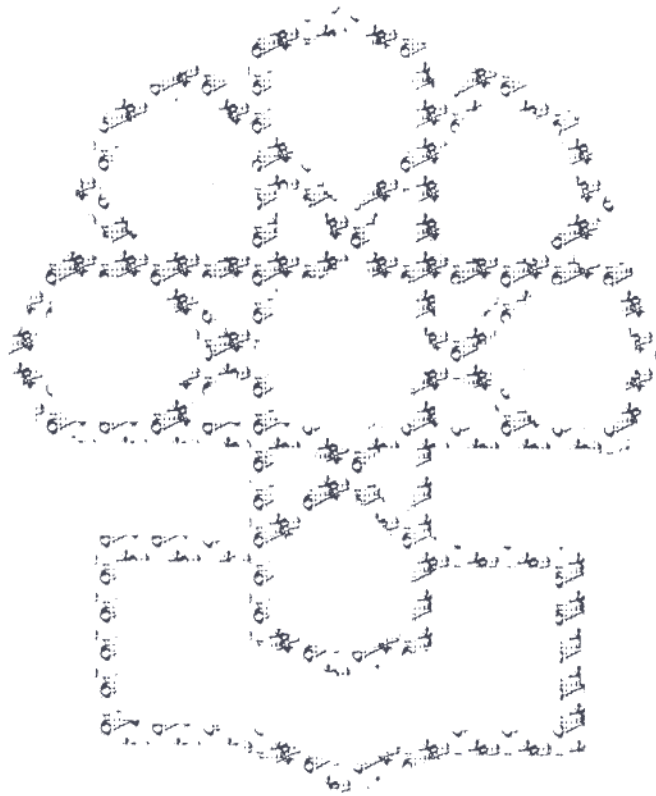


۱۵۹۹



دیدگاه اسلام نسبت به بازرسی

(با نگاهی به موقعیت سازمان بازرسی کل کشور)



معاونت پژوهشی

شهریور ۱۳۷۵

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۰۰۱۵۹۹

دیدگاه اسلام نسبت به بازرسی
(با نگاهی به موقعیت سازمان بازرسی کل کشور)

فهرست مطالب

۱	نکات برجسته
۴	مقدمه
۴	فصل اول - ضرورت نظارت و بازرسی در حکومت اسلامی و حکومت های دینی
۵	فصل دوم - تاریخچه نظارت و بازرسی در دین
۸	فصل سوم - ویژگی های نظام نظارت و بازرسی اسلام
۱۱	فصل چهارم - مجاری نظارت و بازرسی در قانون اساسی (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)
۱۳	فصل پنجم - آفات و مشکلات نظارت و بازرسی در کشور
۱۴	فصل ششم - رهیافت ها

- * از زمان تشکیل حکومت‌های دینی، بحث نظارت و بازرسی به صورت‌های مختلف وجود داشته است. در دوران پیامبر اسلام (ص) این وظیفه توسط «نقبا»، «عرفا» و «مناکب» انجام می‌گرفت.
- * در زمان حکومت‌های خلفای جور، بازرسان در قالب «حسبه و محتسب» ایفای نقش کرده و از آنها به عنوان جاسوسان حکومت و یا «اعوان ظلمه» یاد می‌شد.
- * از آنجا که هر انسان پس از دوره‌ای از سلامت می‌تواند به فساد و یا از توانایی به ناتوانی دچار گردد. اهمیت بحث نظارت و بازرسی بیش از پیش آشکار می‌گردد.
- * دسته‌ای از آیات و روایات بر ضرورت حفظ نظام مسلمین تأکید داشته و دسته‌ای دیگر از حکومت به امانت تعبیر می‌کنند که از هر دو می‌توان به ضرورت امر نظارت و بازرسی پی برد.
- * در حکومت اسلامی هم مردم و هم حاکم موظف و مکلف به نصیحت یکدیگر هستند. بنابراین، از یک سو اطلاع دادن مشکلات و ضعف‌ها توسط رعایا به حکومت جز وظایف شده و از سوی دیگر نصیحت حاکم مستلزم خلوص نیت و اهتمام او به رفع مشکلات مردم می‌باشد که این امر پس از کسب اخبار لازم از ضعف‌ها و مشکلات میسر خواهد شد.
- * یکی از مهمترین مسائلی که در امر بازرسی و نظارت در حکومت‌های دینی باید بدان توجه نمود آن است که در بخش استخبارات و ایجاد تشکل‌ها باید بر نیروهای مردمی تکیه نمود که این تشکل‌ها نه تنها امکان نظارت و بازرسی را فراهم می‌سازند، بلکه به عنوان نزدیک کننده روابط مابین مردم و حکومت، ایفای نقش می‌کنند و در بسیاری از مسائل می‌توانند عوامل اجرایی حکومت باشند.
- * جلب اعتماد و اطمینان عمومی مردم نسبت به سیستم بازرسی و قضاوت در حکومت از مهمترین مسائل در ایجاد انگیزه برای همکاری در آنها می‌باشد.
- * مولای متقیان علی (ع) در دوران حکومت پنج ساله خویش ضمن استفاده از «عیون» که با پوشش‌های مختلف در سطح جامعه به کسب اخبار و اطلاعات می‌پرداختند، افرادی را نیز تحت عنوان «رسولان» برای کسب خبر به مناطق مختلف می‌فرستادند.
- * یک بازرس علاوه بر یافتن عوامل فساد باید درباره ریشه‌های پیدایش آن تحلیل کند.
- * در بازرسی و نظارت باید به تغییر فضای فکری، تغییر فضای زندگی، فضای

آرزوهای مسئولان و حتی مقامات رده بالا توجه خاصی نمود چرا که تغییر فضاها زمینه پیدایش و رشد فساد را ایجاد می‌کند.

* مسأله بازرسی و نظارت باید قبل از توسعه و رشد فساد مورد توجه قرار گیرد، نه این که بعد از عالمگیر شدن فساد تحقیق و تفحص به راه انداخته و به این امر پرداخته شود.

* استمرار در امر بازرسی و نظارت و توجه به علائم و آثار فساد و ضعف‌ها و ناتوانایی‌ها همانند نسبت‌های مدیریتی و وضعیت‌های مالی افراد و برخورد مؤثر با افراد خاطی موجب شناسایی و جلوگیری از پیدایش و رشد فساد و در نهایت جلب اعتماد مردم شده و ضمن برخوردار شدن امر نظارت و بازرسی از تشکل پر قدرت اسلامی، باعث دریافت سریع و به موقع نظرات مردم و اخبار و گزارش‌های آنها خواهد شد.

* دچار شدن به روحیه تکبر، روحیه تجسس، روحیه یاس و ناامیدی از آفاتی است که می‌تواند گریبانگیر بازرسان شده و یکی دیگر از آفات امر بازرسی انتشار اخبار و اطلاعات محرمانه و سری می‌باشد. که علاوه بر اشاعه روحیه یاس و ناامیدی در مردم، موجب بسته شدن راه برخوردهای بعدی می‌شود.

* تحقق در جهت نظارت نسبت به حسن امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و بر اساس اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد.

* قوانین و قواعد جاری بازرسی نیاز به تجدید نظر دارد. مجلس شورای اسلامی آمادگی دارد تا در حیطة وظایف و اختیارات این سازمان قوانین لازم برای پیشبرد امور بازرسی را وضع نماید.

* تقویت نظام نظارت و بازرسی در کشور موجب پیشگیری از وقوع جرم خواهد شد، لذا ضروری است که مدیران در کنار اجرا، پذیرای نظارت باشند.

* بازرسی به معنای تضعیف مدیریت و یا استبداد نیست و نه تنها مدیریت و روند فعالیت یک مؤسسه را تضعیف نمی‌کند، بلکه ضمن افزایش دقت و کارایی مدیران و کارمندان و ارزشیابی عملکرد آنها، بازدهی و کارایی مؤسسه را نیز افزایش می‌بخشد.

بحث نظارت و بازرسی می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. اما آنچه در متن حاضر بدان توجه می‌شود، پرداختن به این مسئله از دیدگاه دینی و اسلامی است. در این دیدگاه ضمن توجه به مبانی دینی و نظام نظارت و بازرسی اسلامی، ضمن در نظر داشتن شیوه‌های متداول نظارت و بازرسی به طرح این نظام به گونه‌ای که پاسخگوی مشکلات فعلی ما باشد می‌پردازیم. بر این اساس بحث حاضر در چند محور مطرح می‌شود. نخست تاریخچه بحث نظارت و بازرسی در دین را مطرح کرده، سپس به بررسی ضرورت نظارت و بازرسی در نظام اسلامی خواهیم پرداخت. در خاتمه ضمن تأمل در ویژگی‌های نظارت و بازرسی اسلامی و تفاوت‌های آن با شیوه‌های موجود بازرسی، آفات و مشکلات امر نظارت و بازرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول - ضرورت نظارت و بازرسی در حکومت اسلامی و حکومت‌های دینی^۱

در رابطه با ادیان دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاهی که دین را امری قدسی می‌داند که عهده‌دار مسائل دنیوی و اجتماعی نیست؛ بلکه تنها برای تأمین آخرت و ارتباط انسان با خدا آمده است و دین را صاحب رسالتی اساسی در زمینه‌های دیگر نمی‌داند. طبعاً در چنین دیدگاهی نظارت و بازرسی جایگاهی نداشته و شأن دین را بالاتر از آن می‌داند که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و کنترل اجتماع دخالت نماید. این دیدگاه، حکومت را از آن متدینین می‌داند. اما برای حکومت دینی جایگاهی قائل نیست.

در دیدگاه دوم، دین راه حرکت انسان در نظر گرفته شده و پس از درک ناتوانی فکر و عقل، دین عهده‌دار برنامه‌ریزی زندگانی بشر شناخته شده است که باید نظام‌ها و احکام خود را از دین و وحی اتخاذ نمود. با فرض پذیرش حکومت دینی، ضرورت بازرسی و نظارت معنای ساده‌ای پیدا می‌کند. حکومت که وظیفه برنامه‌ریزی و اجرا را بر عهده دارد، با برنامه‌ها و اهدافی همراه است و این برنامه‌ها و اهداف را به وسیله افراد و تشکل‌ها و ابزارهایی پیگیری می‌کند. ناتوانی تشکل‌ها، افراد و برنامه‌ها و حتی فساد در افراد و تشکل‌ها، جز با نظارت و بازرسی به دست نمی‌آید. خصوصاً اگر به این نکته توجه شود که حتی با گزینش و انتخاب دقیق افراد و تشکل‌ها، انسان می‌تواند پس از دوره‌ای از سلامت به فساد و یا از توانایی به ناتوانی دچار گردد. اهمیت بحث بازرسی و نظارت بیش از پیش هویدا می‌شود. از این دیدگاه، برای هر مجموعه و تشکلی که بخواهد در جهت حفظ خود، اهداف و قوانینی داشته و این مجموعه تشکل‌ها در آن راستا حرکت کنند، حتی در تشکل‌های کوچکی مثل خانواده نیاز به بازرسی و نظارت احساس می‌شود؛ چراکه در صورت فقدان نظارت و کنترل، برخی از فسادها می‌تواند به داخل خانواده راه یافته و اهداف انسان در رابطه با اجتماع کوچک خود، در رابطه با همسر و فرزندان تحقق پیدا نکند. پس ضرورت بازرسی و نظارت فقط در فرض حکومت مطرح نبوده، بلکه هر مجموعه قانونمند و هدفدار را شامل می‌شود و هر جا که نیاز به شناخت افراد و تشکل‌ها و عملکردشان باشد، نظارت و بازرسی به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود. بنابراین، ضرورت بازرسی و نظارت از دید عقلایی قضیه - به اصطلاح دلیل عقلایی بر مسئله - کاملاً روشن بوده و جای بحث

۱ از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که در جواب پیرمردی که طالب عرفان بود فرمود: «ان العرافة حق و لابد للناس من العرفاء و العریف من النار». سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۳۲

چندانی ندارد. اما از حیث ادله نقلی، این قضیه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد که به دلیل روشن بودن مسئله به چند آیه و روایت در این زمینه بسنده می‌کنیم. یکی از آیاتی که در این رابطه می‌توان از آن استفاده نمود آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثباتاً و انفروا جمیعاً»^۱ می‌باشد. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حذر خود را بگیرید و سپس دسته‌دسته یا دسته‌جمعی حرکت کنید». این آیه در سیاق آیات جهاد است، اما به تعبیر فقها مورد نمی‌تواند مخصص باشد و بیان، بیان عام است. حذر در اینجا کلمه‌ای قابل تأمل است و برای آن دو توضیح آورده شده است.

در مفردات راغب، حذر به معنی «آلة الحذر» و سیله حذر کردن و وسیله احتراز آورده شده است و اما در توضیح دوم، معنی مصدری آن در نظر گرفته شده است. «خذوا حذرکم»، یعنی این که خواسته شده مؤمنین بیداری و احتراز خود را داشته و به کمک آن خود را محافظت کنند.

به بیان دیگر، این احتراز خود وسیله است و حفظ این حالت، وسیله‌ای برای حفظ انسان است. در واقع، معنای دوم منافاتی با معنای اول نداشته، بلکه معنی لطیف‌تری از معنای اول نیز می‌باشد. یکی از مهمترین وسایل حذر که می‌تواند ما را در مقابل ضعف‌ها و فسادها ایمن کند، مسئله نظارت و بازرسی است. بنابراین این آیه یکی از مهمترین آیات در زمینه مورد بحث ما می‌باشد. آیه دیگری با همین تعبیر در سوره منافقین داریم که: «وإذا رأیتهم تعجبکم اجسامکم و ان یقولوا تسمع لقلوبهم كأنهم خشب مسندة. یحسبون کل صیحة علیهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انی یؤفکون»^۲، که باز تعبیر این آیه، تعبیر حذر است و مربوط به جایی است که منافقین و عوامل فساد در داخل مجتمع بوده و به فساد مشغولند و در برابر این فعالیت و افساد، سلاحی که به پیامبر (ص) پیشنهاد می‌شود، سلاح حذر است. «فاحذرهم» یعنی از اینها بر حذر باش. طبعاً کسی که از امری بر حذر می‌شود در مورد اخبار آن حساس بوده و حتی در مورد آن کسب خیر خواهد کرد. و چون نگران صدماتی است که از آن ناحیه به او آسیب می‌رساند، هم در کسب اطلاع و هم در برنامه‌ریزی و مقابله با این مفاسد و مفسدین، دارای انگیزه است.

در زمینه روایاتی هم که در این مورد آمده می‌توان به روایاتی در زمینه ضروری بودن حفظ نظام مسلمین و این که هر گونه اختلال در آن حرام است اشاره نمود.

خطبه ۱۶۸ و ۱۴۸ نهج البلاغه نکاتی در این زمینه دارد.

در روایت: «إن إمامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المسلمین»، یکی از حکمت‌ها و آثار جعل امام، نظام دادن مسلمین ذکر شده است.

تعبیر دیگری به همین معنا از صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س) در خطبه معروفشان در مسجد مدینه داریم که می‌فرمایند: «... و العدل تنسیقاً للقلوب و طاعتنا نظاماً للملة»^۳ اطاعت ائمه باعث نظام ملت می‌شود که در اینجا ملت به معنی دین می‌باشد.

حفظ این نظام و جلوگیری از هر گونه اختلال در آن، مستلزم نظارت و بازرسی می‌باشد که به عنوان یکی از شیوه‌های مهم برای شناخت عواملی که موجب اختلال در نظام شده و حفظ آن را تهدید می‌کنند مطرح می‌باشد.

۱. سوره نساء، آیه ۷۱.

۲. الحذر و الجذر به معنی کالأثر و الأثر يقال اخذ جذره اذا بنقظ و احترز من الخوف كانه جعل الحذر آله ... و المعنی و احترزوا من العدو و لا تمکنوه من انفسکم، کشاف، ج ۱، ص ۵۳۲.

۳. سوره منافقون، آیه ۴، «یحذر الناس و یحترس منهم من خیر أن یطوی من احد منهم بشره»، بحار، ج ۶، ص ۱۵۱.

۴. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۶۱ به بعد.

دسته دوم، روایات حکومت و امارت بر مسلمین را امانتی در دست حکام دانسته و با توجه به اینکه حفظ امانت به طور کلی واجب است. حفظ امانت حکومت موقوف به شناخت مفاسد و ناتوانی‌ها و ضعف‌های موجود می‌باشد که طبیعتاً یکی از مقدمات لازم برای این شناخت مسئله نظارت و بازرسی می‌باشد.

در نامه ۴۱ نهج البلاغه حضرت علی (ع) خطاب به یکی از حکام این تعبیر را دارند که: «فانی کنت اشکرک فی امانتی... فلا این عمک آتیت و لا الأمانة أدیت»، من تو را در امانت خود (حکومت) شریک کردم، ولی تو با پسر عموی خود مواسات نکردی و رسم برادری را رعایت نکردی و امانت را ادا نکردی. مشاهده می‌شود که حکومت به امانت تعبیر شده است.

و یاد دیگری دیگر از نامه‌هایشان برای یکی از حکام که او را از کاربرد کنار کرده‌اند و کسی دیگر را جایگزین او نموده‌اند چنین نگاشته‌اند: «... و نزع یدک بلاذم لک و لایثرب علیک. فقد احسنت الولاية و أدیت الأمانة فاقبل غیر ظنن»، «من دست تو را از حکومت کوتاه کردم، ولی نه به خاطر مذمتی بر تو و نه به خاطر این که بخواهم عیبی بر تو بگیرم، تو حکومت را به خوبی اداره کردی و امانت را ادا کرده‌ای». تعبیر «أدیت الأمانة» یعنی امانتداری را برای حکومت به کار برده‌اند.

نکته دیگری که مطرح است. این است که در حکومت اسلامی هم، مردم و هم حاکم موظف و مکلف به نصیحت کردن هم دیگر هستند. نصیحت به معنای برخورد خالصانه و توأم با در نظر گرفتن صلاح طرف مقابل می‌باشد. به تعبیر مفردات راغب، «النصح تحری فعل او قول فیہ صلاح صاحبه»، نصح، خالص بودن فعل و گفته‌ای است که در آن صلاح طرف مقابل در نظر گرفته شده است. یعنی هم خلوص در آن است و هم توجه به مصلحت طرف مقابل در آن است. در روایت داریم که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «الدين النصيحة»، از پیامبر (ص) پرسیدند که: «برای چه کسی باید نصیحت کرد؟» فرمودند: «إله و لرسوله و لأئمة الدين و الجماعة المسلمین» که نصیحت هم در برابر خدا و هم در برابر رسول و هم در برابر ائمه دین و هم در برابر دیگر مسلمین خواهد بود. که نصیحت در برابر خدا، خلوص نیت و به گونه‌ای که او خواسته، عمل نمودن است و در برابر رسول و ائمه دین، اطاعت و آگاه کردن آنها از ضعف‌ها و مشکل‌ها و مفسده‌هاست و کمک کردن به آنها در تمشیت امور و پیش بردن در مسائل و امور مسلمین. پس نصیحت به یک مفهوم عام از مهمترین وظایف یک مسلمان می‌باشد. و حتی در روایتی داریم: «من لا یصحح و لا یمسی ناصحاً لله و لرسوله و لکتابه و لأئمة و إمامة المسلمین فلیس منهم»^۳، کسی که صبح و شب کند در حالی که ناصح برای خدا و رسولش و برای کتاب خدا و برای امام خویش و برای امامت مسلمین نیست، از مسلمین نبوده و از آنها نمی‌باشد».

پس اگر نصیحت و برخورد خالصانه را در رابطه با حکومت لازم بدانیم، از یک سو اطلاع دادن مشکلات و ضعف‌ها توسط رعایا به حکومت جزء وظایف می‌شود و از سوی دیگر نصیحت حاکم نسبت به مردم لازمه‌اش داشتن خلوص نیت از سوی حاکم و اهتمام او به رفع مشکلات مردم می‌باشد. با توجه به اینکه رسالت و امامت این مردم بر عهده او گذاشته شده است. رسالت پیشبرد این مردم به سوی اهداف دین بر عهده او بوده و لازمه آن این است که در رابطه با رفع مشکلات و ضعف‌ها اقدام کند. پس هم کسب اخبار بر او لازم خواهد بود و هم اقدام مناسب برای رفع آنها. بنابراین، ضرورت امر نظارت و بازرسی هم از حیث

۱ بحار، ج ۸، ص ۵۸۵

۲ رسائل النبی، ج ۱۱، ص ۵۹۵

۳ معجم صغیر طبرانی، ج ۲، ص ۵۱

ادله عقلی و هم از حیث ادله نقلی آن کاملاً روشن است.

فصل دوم - تاریخچه نظارت و بازرسی در دین

دین ما اولین دینی نیست که تشکیل حکومت داده است. در طول تاریخ، حکومت‌های دینی دیگری چون حکومت حضرت موسی (ع) را سراغ داریم و در واقع اولین قومی که آرام آرام، تشکل دینی در میان آنها تحقق یافت و بعدها به حکومت رسیدند، قوم بنی اسرائیل است. این قوم پس از دوره عزت و بزرگی حضرت یوسف (ع)، دوره رنج و فشاری را با انتظار ظهور منجی - حضرت موسی (ع) - پشت سر گذاشت. با ظهور موسی (ع) و همراهی قوم بنی اسرائیل، این پیغمبر الهی توانست تشکیل حکومت دهد. قرآن کریم تعبیری بر تشکیل این حکومت دارد: ^۱ «و لقد أخذ الله ميثاق بني اسرائيل و بعثنا منهم اثني عشر نقيباً...»، «و خداوند از بنی اسرائیل ميثاق گرفت و از میان آنها ۱۲ نفر را به عنوان نقيب مبعوث کرد و...». نقيب از کلمه نقب نشأت گرفته است. نقيب را نقيب گفته‌اند چرا که احوال قوم خود را مورد موشکافی قرار می‌دهد و به تعبیر کتاب مجمع البيان ^۲ «نقيب یک قوم کسی است که به دنبال اسرار قوم خود است و از اسرار و افکار پنهان قوم خود خبر دارد». بنابراین دیده می‌شود در مرحله اولی که از بنی اسرائیل ميثاق گرفته شده و زمزمه تشکیل حکومت شنیده می‌شود، اولین کار تعیین ۱۲ نفر به عنوان نقيب می‌باشد که این نقبای یکی از مهم‌ترین وظایفشان انعکاس حرف‌های ناگفته، مشکلات و افکار عمومی مردم به رهبر می‌باشد. در ادامه آیه به شرایط نقبای اشاره می‌شود: «... و قال الله اني معكم لئن اقمتم الصلوة و آتيتم الزکوة و اقمتم برسلی و اقرضتم الله قرضاً حسناً...» و شرایطی که برای نقبای ذکر شده شاید باعث حفظ سلامت اینها می‌شود. بر پا داشتن نماز، دادن زکوة، ایمان به رسولان الهی و کمک به آنها و نکات دیگری که همه و همه در رابطه با تربیت نقبای و شرایط سالم ماندن یک نقيب بسیار قابل تأمل است.

در صدر اسلام نیز شبیه این ماجرا تکرار می‌شود. در جریان بیعت دوم عقبه، رسول گرامی اسلام (ص) از مردمی که برای بیعت آمده‌اند می‌خواهند که ۱۲ نفر را به عنوان نقيب معرفی کنند. ^۳ دقت در این نکته لازم است که برخلاف زمان حضرت موسی (ع)، این مردم هستند که خود نقبای را معرفی می‌کنند. سپس حضرت می‌فرماید: «من با شما بیعت می‌کنم همانند بیعت عیسی بن مریم (ع) با حواریین خود»، پس نقبای در زمان حضرت عیسی (ع) نیز وجود داشتند که در واقع حواریین آن حضرت بودند که علاوه بر مسئولیت رساندن اطلاعات و اخبار قوم خود، کفیل آنها نیز بودند. در زمان رسول الله (ص)، قضیه از این حد هم جلوتر رفته و تشکلات مربوط به نظارت و بازرسی پیشرفت تازه‌ای می‌کند. در این زمینه شیخ طوسی در کتاب مبسوط خود چنین آورده است: ^۴

«مستحب است امام بیاورد و لشکر خود را قبیله قبیله کند، طائفه طائفه و حزب حزب کند و بعد بر هر قومی عریفی بگمارد». عریف از ریشه عرف به معنای شناختن است. در آنجا توضیح می‌دهد که چرا این کار

۱. سوره مائده - آیه ۱۲.

۲. ... نقيب در کلام عرب مانند عریف است جز این که نقيب بالاتر از عریف است. اما مناکب پس آنها اعوان عریف می‌باشند و مفرده منکب است... طبری، ج ۶، ص ۹۵.

۳. النقيب فی القوم من نقيب عن احوالهم و يبحث عن شئونهم... و نفاء بنی اسرائیل هم زعماء اسباطهم الاثنی عشر، العنار، ج ۶، ص ۲۸۰.

۴. اخرجوا الی منکم اثني عشر نقيباً فاختروا، ثم قال: «ابایکم کبیمة عیسی بن مریم للحواریین کفلاء علی قومهم سماهم»، بحار، ج ۱۹، ص ۲۶.

۴. شیخ طوسی، مبسوط، ج ۲، ص ۷۵.

مستحب است و می‌گوید که پیامبر اسلام (ص) در جنگ خیبر این امر را بنا نهاد و بر هر ۱۰ نفر یک عریف گذاشت و علت اینکه به آنها عریف می‌گفتند این بود که اوضاع بخشی را که عهده‌دار آن بودند، به رسول اسلام اطلاع دهند. یعنی اگر مردم می‌خواستند، می‌توانستند از طریق اینها نظراتشان و مشکلاتشان را به رسول الله (ص) اطلاع دهند. بعد از این تغییر دیگری به نام منکب داریم. منکب مرتبه‌ای پایین‌تر از عریف بود و در واقع مناکب به عرفا کمک کرده و برای او اطلاعات جمع‌آوری می‌کردند.

در دوره پس از رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع)، یعنی دوره حکومت خلفای بنی امیه و بنی عباس، تشکیلات جدیدی تحت عنوان «حسبه و محتسب» شکل گرفت و در واقع نقباء عرفا و مناکب در زمان خلفای جور به عنوان «اعوان ظلمه» و یاران حکومت جور مطرح شده و مردم به آنها اطمینان نداشته و به آنها به چشم یاوران و جاسوسان حکومت نگاه می‌کردند. حسبه، تشکلی است که ترکیب آن شبیه شهرداری‌های امروزی است و در کنار آن دارای یک سری وظایف نظارت و بازرسی بود که در امور خاص، تا حدی شأن قضاوت را نیز پیدا می‌کرد. پس به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که از زمان تشکیل حکومت‌های دینی، بحث نظارت و بازرسی در قالب نقباء عرفا و مناکب وجود داشته و بازرسی و نظارت توسط این افراد انجام می‌گرفت. در زمان حکومت خلفای جور نیز این عمل در قالب حسبه و محتسبین صورت می‌پذیرفت.

فصل سوم - ویژگی‌های نظام نظارت و بازرسی اسلام

۱- با توجه به آنچه که تاکنون بیان گردید، می‌توان این نکته را به وضوح دریافت که ویژگی اساسی بازرسی اسلامی، تکیه آن بر نیروهای مردمی است.

مناصبی چون نقیب، عریف و منکب، شأن‌هایی متکی به تشکیلات اداری و یا جزء حکومت نبودند. در برخی مواقع، آنها را حکومت و یا امام تعیین کرده و در بسیاری از موارد هم توسط مردم برگزیده شده‌اند. مردم از طریق آنها می‌توانستند حرف‌ها و نظرات و اخباری که در رابطه با مشکلات، ضعف‌ها و مفاسد داشتند به حکومت برسانند. در دوران حکومت حضرت امیر (ع)، عرفا یکی از عوامل اجرایی هم به حساب می‌آمدند و دیده شد که در مورد برخی از مخالفین که اقدامات آنها از طریق عرفا به ایشان منتقل می‌شد دستور خراب کردن خانه آن اشخاص به همین عرفا داده شد. پس یکی از مهمترین مسائلی که در حکومت‌های دینی باید بدان توجه نمود، آن است که در مسئله نظارت و بازرسی، در بخش استخبارات و ایجاد تشکل‌ها تکیه بر نیروهای مردمی است و این تشکل‌ها نه تنها امکان نظارت و بازرسی را فراهم می‌کنند، بلکه به عنوان نزدیک‌کننده روابط مابین مردم و حکومت نقش ایفا می‌کنند و در بسیاری از مسائل می‌توانند عوامل اجرایی حکومت باشند.

البته باید به این نکته دقت کرد که لازم نیست دقیقاً در قالب کلمات نقیب، عریف و منکب دنبال طرح اسلامی در شرایط فعلی باشیم، بلکه توجه ما بیشتر باید معطوف به این قضیه باشد که می‌توان از بوروکراسی و تمرکزگرایی در این زمینه پرهیز نمود و می‌توان قسمت عمده مشکل را با تکیه بر خود مردم حل نمود. نکته بسیار دقیق در این قضیه، جلب اعتماد و اطمینان عمومی مردم نسبت به سیستم بازرسی و قضاوت در حکومت است و راه‌های نتیجه خواهیم گرفت که اطمینان عمومی نسبت به سلامت

۱- آیات ذکر العرفاء و هم رؤساء الاحبار و قضاة و معاهد سوا ذلك لا یهم یعرف احوال الخیص ترااتب اداریه. ج ۱، ص ۳۵
۲- احمدی میانی، «اطلاعات و تحقیقات در اسلام»، نور علم، ش ۱۰، ص ۱۰ بعد

و توانایی نظارت و بازرسی در مردم موجود باشد.

۲- دومین ویژگی اساسی در بازرسی اسلامی، بهره‌گیری از عیون و رسولان می‌باشد.^۱ در تعبیری که خصوصاً در نامه‌های حضرت امیر موجود است می‌توان این نکته را دید و در برخی نامه‌های ایشان تصریح شده است که: «عینی از عیون من این خبر را به من رساند»، «عین» یعنی چشم و اصطلاحاً به کسانی عین گفته می‌شود که همانند چشم حکومت عمل می‌کنند. استفاده از عیون حتی در حکومت‌های موفق چند صد ساله اخیر مانند حکومت امیر کبیر دیده می‌شود که عیون نصب شده در قالب پوشش‌های مختلف و بدون شناخته شدن، مدت‌ها اخبار لازمه را به حکومت می‌رساندند. از سوی دیگر، فقط به این عیون اکتفا نشده و حتی رسولانی را می‌توان دید که در نامه‌های حضرت امیر (ع) از آنها یاد شده است. فرق بین رسول و عیون در این است که رسول فرستاده می‌شد تا خبر بیاورد، در حالی که عین ممکن بود سال‌ها در یک منطقه مستقر باشد.

۳- سومین نکته توجه به ریشه‌های اساسی پیدایش فساد است. یعنی یک بازرس علاوه بر یافتن عوامل فساد، باید درباره ریشه‌های پیدایش آن تحلیل کند. ریشه‌های پیدایش فساد، چه فساد مالی و چه انواع دیگر از فساد را در بسیاری از اوقات مسائلی غیر از آن چه که در ابتدا به نظر می‌رسند تشکیل می‌دهند. بسیاری از اوقات، علت اساسی، ضعف مدیریت است. مدیریت ضعیف زمینه مناسب را برای انگیزه‌های فساد ایجاد می‌کند و در صورت برطرف نشدن این ضعف، کافی است که افراد بعدی نیز دچار ضعف‌هایی باشند که در این صورت دامنه فساد گسترش می‌یابد.

این فسادها می‌تواند ریشه در فقر - فقری که شخص را مستأصل و ناچار می‌کند - داشته باشد. هر چند در جامعه کنونی ما ریشه بسیاری از فسادهای مالی، فقر مالی - در حدی که برای رفع نیازهای ضروری فرد باشد - نیست، ولی در بسیاری از موارد، شروع فساد، ریشه در عواملی چون فقر داشته و بعدها پس از ریختن قبح آن به فساد گسترده‌تر و وسیع‌تر تبدیل شده است.

در بسیاری از مواقع، ضعف‌های فکری و اعتقادی، بدبینی نسبت به نظام، توجه نبودن نسبت به مسائل، بدبینی نسبت به مسئولین و عملکرد آنها، ریشه مسائل را تشکیل می‌دهند. در پاره‌ای موارد وسوسه‌های مراجعین، عامل ایجاد فساد بوده و در برخی موارد هم فرد، در مجموعه‌ای قرار می‌گیرد که یا باید در آن مجموعه با مفسدین همکاری کرده و یا اینکه در صورت مقاومت، قلع و قمع شده و چون توانایی برخورد و درگیر شدن با مجموعه را ندارد، مجبور به همکاری گردد. بنابراین، باید اینها را تشخیص داد و در بازرسی‌های عمومی باید به ریشه‌های اساسی فساد توجه نمود.

در برخوردهای حضرت امیر (ع)، توجه داشتن به ریشه‌های پیدایش فساد کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه به نامه‌ای که حضرت به استاندار خوب خود، عثمان بن حنیف نوشته است اشاره می‌شود. در این نامه، حضرت از اینکه عثمان بر سفره متمولین و در جمع خصوصی آنها حاضر شده، او را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهد. از نامه حضرت بر نمی‌آید که عثمان بن حنیف دچار فساد مالی شده باشد و در تاریخ نیز چنین مسئله‌ای نقل نشده است، بلکه هشدار حضرت به خاطر تغییر فضایی است که در زندگی او وارد شده و این که با این نوع افراد روابط خوبی برقرار کرده است. یعنی قبل از این که این مسئله موجب پیدایش فسادهای بعدی شود، حضرت در ریشه آن را خشک می‌کند.

۱. ... و ابعث من اهل الصدق والرفاء، علیهم ... عهدنامه مالک. «أری أن تبعث فرماً من اهل الصلاح و العفاف ممن یرث بدینه و اسانته یسأل عن سیرة العمال و ما یعلمون فی البلاد». نهج السعاده، ج ۵، ص ۳۵.

در بازرسی و نظارت باید به این عامل توجه خاصی کرد و تغییر فضای فکری، تغییر فضای زندگی، فضای آرزوهای مسئولین و حتی مقامات رده بالا را باید مورد توجه قرار داد؛ چرا که بسیاری از فسادها از بالا به پایین تسری می‌یابند. اگر استانداری چون عثمان بن حنیف دچار تغییر فضای ذهنی بشود، هر چند که خودش فساد نمی‌کند، اگر به او تذکر داده نشود، خیلی از افراد زیر دست او هم می‌توانند کارهای دیگری بکنند. چون فضای فکری عوض شده، فضای برخوردها عوض شده و دوستان عوض می‌شوند، نزدیکان و افراد مورد اعتماد تغییر کرده و طبیعتاً فضای آن سیستم باید تغییر یابد. پس بازرسی باید جدای از توجه به مشکلات ظاهر و بارز، به ریشه‌های پیدایش فساد توجه داشته باشد.

۴- چهارمین نکته آن است که برخورد بازرسی نباید برخورد انفعالی باشد و بعد از آنکه مسئله‌ای و فسادی درز پیدا کرد و به گوش بازرسی رسید، اقدام کند، بلکه برخورد بازرسی باید فعالانه باشد.

در برخورد حضرت امیر (ع)، ملاحظه می‌شود که ایشان علاوه بر عیون، رسولانی را می‌فرستند و بر اساس اطلاعات دریافت شده از این دو گروه عمل می‌کنند و این گونه نیست که منتظر مانده و بر حسب خبرهایی که از عملکردهای نادرست فلان استاندار یا فرماندار برسد، به بازرسی و نظارت بر عملکرد او بپردازند. بلکه باید قبل از توسعه و رشد فساد، جلوی آن را گرفت، نه این که بعد از عالمگیر شدن فساد تحقیق و تفحص به راه انداخته تا عملکرد فلان سازمان مورد بررسی قرار گیرد. ارسال عیون و رسولان و حتی آزمایش و کنترل مجموعه‌هایی که در کشور داریم از این لحاظ که توانا بوده یا ناتوان هستند، فساد در آنها وجود داشته یا اینکه ندارد، باید سرلوحه اقدامات بازرسی اسلامی قرار بگیرد.

۵- پنجمین و آخرین مسئله این است که در بازرسی اسلامی مانند بازرسی‌های بسیاری از مکاتب دیگر و در شیوه‌های عمل دیگری که حتی در غرب نیز رایج است باید متکی به بررسی‌های مکرر و توجه به علائم و آثار باشد. اشاره‌ها و علامت‌هایی از نسبت‌های مالی یک شرکت و یا یک سازمان مانند نسبت‌های مدیریتی، نسبت‌های مالی می‌تواند مورد مذاقه قرار گیرد. نسبت‌های مدیریتی، نشان‌دهنده کارایی مدیر است و ضعف و توانایی او را نشان می‌دهد. این گونه نباشد که شرکت‌ها، یله و رها بوده و کسی توانایی آنها را مورد توجه قرار ندهد. این بررسی‌ها باید به طور دوره‌ای و مرتب باشد و کسی نباید مصون از این بررسی‌ها باشد.

بررسی وضعیت‌های مالی افراد، افرادی که وقتی مسئولیتی را گرفته‌اند، چیزی نداشته و موقع رفتن دیده شده که امکانات وسیعی را به همراه خود برده‌اند، از وظایف بازرسی ما می‌باشد. اگر بازرسی ما فاقد این ویژگی‌ها باشد، خود عامل سلب اعتماد مردم از نظام نظارت و بازرسی در کشور و محرومیت از تشکل مردمی، فراگیر و پر قدرت نظارت و بازرسی اسلامی می‌گردد.

فصل چهارم - مجاری نظارت و بازرسی در قانون اساسی (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)

الف - پیشینه بازرسی در ایران

قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷.۴.۲۷ برای اولین بار در (ماده ۱) خود اداره پرسنل و تفتیش اداری را پیش بینی نموده بود. اولین متن خاص بازرسی نظامنامه تفتیش قضایی مصوب ۱۳۱۰/۱/۱۵ می‌باشد که براساس آن مفتشین قضایی و اداری زیر نظر، رئیس پارک تمیز، بر کار مستخدمین قضایی و

اداری وزارت عدلیه نظارت داشتند. سپس به موجب نظامنامه تفتیش کل مملکتی مصوب ۱۳۱۳، برای تفتیشی رفتار مأمورین دولت و بلدی‌ها از ایالات و ولایات و رسیدگی به شکایات مردم و ملاحظه اوضاع ولایات هیئتی به نام هیئت تفتیشیه مملکتی مرکب از مأموران وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل تعیین می‌شدند (ماده ۱)، و یک نفر از وزرا به انتخاب هیئت دولت به ریاست هیئت تفتیشیه کل مملکت تعیین می‌گردید (ماده ۲). هیئت تفتیشیه اوضاع کلیه ادارات دولتی را تفتیش می‌کرد. همچنین شکایات واصله از مردم را مورد رسیدگی قرار داده و در هر حال موارد تذکر و اخطار هیئت را به مقامات عالی ادارات و دستگاه‌ها ارسال می‌نمود (مواد ۷ و ۸).

لایحه قانونی اصلاح اصول تشکیلات اداری وزارت دادگستری مصوب ۱۳۳۱/۸/۸ مقرر می‌داشت: «به منظور استحضار دولت از اوضاع و احوال عمومی کشور و تأمین حسن جریان امور در ادارات و دوایر دولتی و بازرسی نسبت به طرز رفتار عموم مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از کشوری و لشکری و قضایی و شهرداری‌ها و بنگاه‌های عمومی و همچنین رسیدگی به شکایات مردم، اداره بازرسی کل کشور تحت ریاست وزیر دادگستری تشکیل می‌گردد.» (ماده ۳).

قانون اصلاح قسمتی از قانون دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴ نیز ضمن بیان هدف بازرسی کل کشور (ماده ۷)، در ماده ۹ تشکیلات اداره کل بازرسی کشور را مشتمل بر دو قسمت اعلام داشته بود:

۱- قسمت رسیدگی به شکایات و گزارش‌ها

۲- قسمت بازرسی دادگستری‌ها و وزارتخانه‌ها و کلیه ادارات اعم از لشکری و کشوری.

قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مصوب ۱۳۴۷/۲/۳۱، این سازمان را مأمور رسیدگی به شکایات مردم از کارکنان لشکری و کشوری نمود. پس از تشکیل سازمان مذکور، وظیفه اداره بازرسی کل کشور محدود به بازرسی امور قضایی و اداری وزارت دادگستری گردید.

پس از پیروزی انقلاب، لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۷ شورای انقلاب، اداره کل بازرسی وزارت دادگستری و سازمان بازرسی شاهنشاهی را منحل نمود (ماده ۹). سازمان مذکور به وزارت دادگستری وابسته گردید (ماده ۱) و وظایف آن عبارت از بازرسی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و همچنین رسیدگی به شکایات اشخاص از این سازمان‌ها بود. (ماده ۲).

ب- وظایف قانونی سازمان کنونی بازرسی کل کشور

یکی از وظایف اصلی قوه قضاییه نظارت بر حسن اجرای قوانین است. نظارت بر حسن اجرای قوانین در دادگاه‌ها بر عهده دیوان عالی کشور می‌باشد. اما در مورد حق نظارت بر ادارات و دستگاه‌های غیر قضایی اصل یکصد و هفتاد و چهارم مقرر می‌دارد:

«بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌کند.»

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ در اجرای اصل مذکور وظایف و اختیارات سازمان را در ماده ۲ خود بدین شرح مقرر نموده است:

۱- بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی

و سازمانهایی که تمام یا قسمتی از سرمایه و سهام آن متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحایر آنها نظارت یا کمک می‌کند و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنهاست براساس برنامه منظم.

۲- انجام بازرسی‌های فوق العاده بر حسب دستور (قوه قضاییه) و یا به درخواست کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی ربط و یا هر مورد دیگری که به نظر رئیس سازمان ... ضروری تشخیص داده شود.

۳- اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریان‌های اداری و مالی درخصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلابی به (رئیس جمهور) و درخصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر وزارتخانه تابعه و واحدهای مربوط دادگستری به (رئیس قوه قضاییه) و درخصوص مؤسسات غیر دولتی کمک بگیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی.

به موجب ماده ۶ :

«در هر مورد که تعقیب جزایی ضرورت پیدا می‌کند مراتب به پیشنهاد بازرسی یا رئیس هیئت بازرسی از طریق سازمان به دادستان محلی اعلام و تا حصول نتیجه، پی‌گیری خواهد شد و در صورتی که خود دادستان یا حاکم شرع مورد تعقیب قرار گیرند مراتب سریعاً به (رئیس قوه قضاییه) گزارش تا دستور لازم صادر شود»^۱.

ج - مجلس شورای اسلامی و نظارت و بازرسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تعدادی از اصول خویش، اصل نظارت و بازرسی را مورد تأکید قرار داده است.

اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«در هر موردی که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

در اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز چنین آمده است:

«هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی را از آنها بخواهد و در مدت مناسب نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

فصل پنجم - آفات و مشکلات نظارت و بازرسی در کشور

یکی از ویژگی‌های بازرسی کشور، تغذیه شدن از طریق استخبارات است. گاهی اوقات مردم خیر می‌دهند و گاهی اوقات سازمان بازرسی به خاطر دریافت کردن گزارش‌هایی در خصوص فساد به سازمان یا منطقه یا

۱ سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۵۶ - ۶۵۹

استانی رفته و خبرهایی را با مطالعات و بررسی های خود به دست می آورد. بازرسی از خبرها بهره می گیرد و با توانمندی خود و با شیوه های علمی و تجارب عملی خود تحلیل کرده و از سوی دیگر، خود تغذیه کننده دستگاه قضایی می باشد. با تصویر کردن جایگاه سیستم بازرسی و نظارت از این دیدگاه دو نکته روشن می شود که یکی نقش مهمی است که سیستم قضایی ایفا می کند. آنچه را که سیستم بازرسی در نهایت می تواند انجام دهد، کشف دقیق، واضح و بدون ابهام ناتوانایی ها و فسادهاست. اما اگر کادر سیستم اجرایی ما در برابر ناتوانایی ها، و ضعف مدیریت ها اقدام مناسب نکند و سیستم قضایی در برابر فسادها و جرایم برخورد قوی، قاطع و روشن ننماید، سیستم بازرسی بی خاصیت خواهد شد و مردم نیز - حتی فقط به همین دلیل - دیگر بدان اعتماد نخواهند کرد. تحقیق خوب، و روشن کردن مسئله مطلوبترین شکل آن اگر همراه با برخورد قاطع نباشد و یا تغییر شخص ضعیف از سیستم اجرایی همراه نبوده و یا مجازات شخص خاطی را به دنبال نداشته باشد، از اقتدار و اعتبار سیستم بازرسی خواهد کاست. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که اقتدار و اعتبار سیستم بازرسی کشور در گرو قدرت، سلامت و قاطعیت سیستم اجرایی و سیستم قضایی است.

دومین نکته که باید بدان توجه نمود، آن است که سیستم بازرسی کشور باید در کسب خبر و نظام بازرسی، به سیستم دینی تکیه نماید و ویژگی های بر شمرده شده برای سیستم دینی را مورد توجه بیشتر قرار دهد و می توان به نیروهای مردمی خود تکیه نمود و با ایجاد سازمان هایی غیر بوروکراتیک و تکیه بر افراد شناخته شده و قابل اطمینان در هر منطقه و در هر بخش (البته نه اطمینان کامل) و کنترل کردن اخبار و مقایسه کردن اخبار باهم، سیستمی دائمی برای کسب اخبار کشور ایجاد کرده و از عیون و رسولان نیز در این زمینه به نحو مطلوب استفاده نماید.

سومین نکته، توجهی اخلاقی به سیستم بازرسی است. یکی از آفاتی که بازرسی همواره با آن مواجه هستند، قدرت و سیطره ای است که در هنگام بازرسی به انسان دست می دهد؛ چرا که وقتی انسان احساس کند همه باید جوابگوی او بوده و این که آبروی فرد در گرو گزارش او است. در معرض روحیه تکبر قرار می گیرد که ممکن است به جای این که شخص مشکل گشای نظام باشد، تبدیل به یکی از مشکلات نظام بشود. همه باید مراقب خود و دیگران در سیستم بازرسی باشیم. از سوی دیگر، ایجاد روحیه تجسس از دیگر آفات است که بازرسی با آن مواجه هستند و گاهی اوقات احساس می شود که شخص، دقت به محدوده و حد وظایف خود نداشته و بازرسی و تحقیق را به مسائل خصوصی کشانده است، یعنی از حریم حفاظت و مراقبت از نظام خارج شده و دیگر هوای نفس است که مسیر را تعیین می کند. نکته دیگر ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در بازرسی است؛ چرا که بازرسان معمولاً با ضعف ها و ناتوانایی ها سروکار داشته که ممکن است به تدریج روحیه یأس و ناامیدی در آنان ایجاد شود که ممکن است این روحیه را به دیگران نیز القانمایند. بازرسان نباید جامع نگری را از دست بدهند و ضمن در نظر داشتن مشکلات و مفاسد و آفات مختلفی که نظام با آن روبرو است، باید در کنار آن، حرکت های مثبت و خوبی ها را ببینند و به خصوص به این نکته توجه داشته باشند که حرف های بازرسی به عنوان افراد مطلع بر دیگران بسیار موثر است.

آخرین نکته آن که بازرسی معمولاً با اخباری سروکار دارند که جزء اسرار حکومت محسوب شده و نباید به بیرون درز پیدا کند و متأسفانه برخی از این خبرها منتشر شده که علاوه بر ایجاد روحیه یأس و ناامیدی و نگرانی در مردم، راه برخورد های بعدی را می بندد. از سوی دیگر، در مواردی، درز کردن اسرار و

محفوظ نماندن آنها، خود مفاسدی را به دنبال دارد.

فصل ششم - رهیافت‌ها

۱- ایجاد ارتباط میان پژوهش و بازرسی:

از آنجا که اخذ اطلاعات دقیق در امر بازرسی بسیار حائز اهمیت است، به نظر می‌رسد مجلس شورای اسلامی می‌تواند با استفاده از بازوی مرکز پژوهشها، ضمن دریافت گزارشهای پژوهشی دقیق، جامع و کارآمد، از فعالیتهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از طریق این مرکز به وظایف خویش در قبال قوه مجریه، بیش از پیش عمل نماید. اخیراً به دنبال انتصاب آقای «سلیمانی» به عنوان رابط مرکز پژوهشها و سازمان بازرسی کل کشور، زمینه این امر بیش از پیش فراهم شده است.

۲- بهره‌گیری از مدیران لایق، کارآمد و به اصطلاح «دستان پاک»:

نهیضتی که اخیراً در ایتالیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی تحت عنوان «نهیضت مدیران دستان پاک» ایجاد شده است، عقیده دارد که در دنیای امروز برای جلب مشارکت بیشتر مردم در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... حتی به قیمت کاهش روند توسعه باید از مدیران فعال، امین، درستکار، صادق و به اصطلاح «دست پاک» بهره‌گرفت. امروزه نظام جمهوری اسلامی باید از مدیران امین، درستکار و برنامه‌ریز استفاده نموده و از به کارگیری مدیران ناصالح - حتی به قیمت کاهش روند توسعه - به منظور جلب مشارکت بیشتر مردم و کاهش نیاز شدید به بازرسی، استفاده نماید.

۳- برخورد با تفکری که بازرسی را به معنای تضعیف مدیریت و استبداد می‌داند:

این تفکر که نظارت و بازرسی به معنای تضعیف مدیریت یا یک وزارتخانه و مؤسسه دولتی می‌باشد، بیش از غلطی بیش نیست. بازرسی و نظارت نه تنها مدیریت و روند فعالیت یک مؤسسه را تضعیف نمی‌کند، بلکه ضمن افزایش دقت و کارایی مدیران و کارمندان و ارزشیابی عملکرد آنها، بازدهی و کارایی مؤسسه را نیز افزایش می‌بخشد.

۴- تجدید نظر در قوانین و قواعد فعلی امر بازرسی و نظارت:

قوانین و قواعد جاری بازرسی به کار نظارت و بازرسی امروز نمی‌آید. تجدید نظر در این امر و تدوین قوانین و شیوه‌های جدید و کارآمد بازرسی در شرایط فعلی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۵- جلب اعتماد و اطمینان عمومی نسبت به سیستم نظارت و بازرسی در کشور انگیزه بیشتری را در میان مردم برای همکاری با دولت در این زمینه فراهم می‌آورد.

۱ «از تزلزل تا یونگ سام»، مجلس و پژوهش، ش ۱۶، سال سوم، خرداد و تیر ۱۳۷۴، ص ۷۷ تا ۸۸